



مدیریت سگهای بدون صاحب (ولگرد) تجارب کشورهای مسلمان و بررسی مسایل فقهی و دینی



شناسه طرح:
CUR-T+6-99

تنظیم:
معاونت پژوهش

تهیه کننده:
مسعود صارمی
حجت اله غلامعلی
علی اصغر حبیب پور

ناظر:
معاونت آموزش

بهره بردار:
شهرداریها و دهیاریهای
کشور

تاریخ انتشار:
۱۳۹۹/۰۲/۲۳



ssafta.imo.org.ir

۱- تجارب کشورهای مسلمان

۱-۱. مقدمه

حیوانات خیابانی، به ویژه سگها، اغلب بخشی از چشم انداز شهری در کشورهای در حال توسعه هستند. که سلامت انسانها را به خطر می اندازد. آنها ممکن است به انسانها حمله کرده و باعث آسیب به شهروندان به خصوص کودکان شوند. همچنین مدفوع آنها در خیابان یک خطر جدی برای سلامتی افراد است زیرا حاوی میکروارگانیسم هایی است که نه تنها برای انسان بیماری زا هستند بلکه در بعضی موارد در برابر آنتی بیوتیک ها نیز مقاوم هستند. جدی ترین پیامد حضور سگ های ولگرد نیز بیماری هاری است. طبق اعلام سازمان بهداشت جهانی، بیش از سه میلیارد نفر، یعنی نیمی از جمعیت جهان، در کشورها و مناطقی زندگی می کنند که هاری سگ وجود دارد. این ویروس هر ساله ۵۵۰۰۰ نفر را تنها در آفریقا و آسیا مبتلا می کند.

دولت ها به ویژه پاکستان، هند و بنگلادش، سگ های ولگرد را با هدف تمیز نگه داشتن شهر، می کشند.

کشور قطر

در کشور قطر، نگهداری سگ در منزل، مجاز است. لذا قوانین خاصی برای واکسیناسیون، معاینات دوره ای، تغذیه و اسکان این حیوان وضع شده است. در قوانین این کشور، از بین بردن مستقیم سگ های ولگرد ممنوع است، مگر آنکه سگ، بیمار باشد.

در این کشور، "قانون کنترل جمعیت سگ های ولگرد" (بدون صاحب) وجود دارد که بر اساس آن، شهرداری مسئولیت جمع آوری سگ های بدون صاحب و انتقال آنها به مراکز نگهداری یا shelter را بر عهده دارد. در این مراکز، عملیات عقیم سازی این سگ ها نیز انجام می شود.

در قطر، اگر فردی سگ خانگی اش را در خیابان رها کند، مبلغ ۱۲ هزار دلار جریمه خواهد شد. ضمن آنکه شهرداری حق دارد این سگ های رها شده را به پناهگاه (مراکز نگهداری) برده و بلافاصله عقیم سازی نماید. سگ هایی که در خارج از حریم شهرها زندگی می کنند، تحت قانون فوق قرار نمی گیرند، اما به محض ورود به حریم شهرها و مناطق مسکونی، مشمول قانون کنترل جمعیت سگ های رها شده می شوند. لازم به ذکر است که سگهای واقع در حریم خارج شهرها فقط ۱۵ درصد از کل سگ های کشور قطر را تشکیل می دهند.

پناهگاهها یا shelter، معمولاً توسط شهرداری ها مدیریت می گردد، اما بخش خصوصی نیز می تواند در این زمینه فعالیت کند.

کشور عربستان، امارات و کویت:

این کشورها همانند کشور قطر (البته از سال ۲۰۱۰)، وجود سگ های خانگی را پذیرفته اند. لذا قانون کنترل جمعیت سگ های رها شده را اجرا می کنند. در این کشورها به دلیل ماهیت حکومت (اسلامی بودن)، اجازه تردد هیچ سگی بدون حضور همراه (صاحب) وی وجود ندارد و هر سگ در شهر همراه با تراشه های الکترونیکی تردد می کند.

مراکز معاینه، مراقبت و درمان سگ ها در این سه کشور، فعال است و پناهگاه ها (shelter) در خارج از شهرها برای نگهداری و تیمار سگ های رها شده وجود دارد.

صاحبان سگ های خانگی باید مجوزهای لازم را از شهرداری کسب کنند و بر اساس برنامه اعلان شده نسبت به انجام معاینات دوره ای سگ های خود اقدام کنند. در قانون کنترل جمعیت سگ های رها شده، تمام شرایط لازم برای نگهداری سگ ها در منزل، مقررات عبور و مرور، نحوه دفن حیوانات مرده و مبلغ جرایم قابل پرداخت، ذکر شده است.

کشور ترکیه

در شهر استانبول ترکیه با جمعیتی بالغ بر ۱۵ میلیون نفر، ۱۳۰ هزار سگ و ۱۲۵۰۰۰ گربه وجود دارد. در اواخر دهه ۹۰ و اوایل سال ۲۰۰۰ شهرداری های ترکیه سگ ها را بوسیله سم معدوم می کردند.

در سال ۲۰۰۴ با فشار افکار عمومی و پیگیری های سازمان های غیردولتی مدافع حقوق حیوانات، دولت ترکیه قانونی را به تصویب رساند که به دولتهای محلی الزام می کند به جای کشتن حیوانات خیابانی، آنها را جمع آوری و نگهداری نمایند. شهرداریها نسبت به عقیم سازی، واکسینه شدن و بازگرداندن آنها به مکانی که آنها را پیدا کرده اند، اقدام می کنند.

در حال حاضر این حیوانات در تمام مراکز شهری ترکیه اکنون از طرف دولت محلی خدمات دریافت می کنند: پناهگاه، تغذیه منظم، عقیم سازی و معاینات پزشکی توسط دامپزشکان آموزش دیده.

همچنین شهرداری ها در سراسر کشور تیم هایی دارند که در مناطق به دنبال حیوانات ولگرد می گردند و آنها را عقیم و واکسینه می کنند. سپس آنها یک تراشه دیجیتالی زرد رنگ را روی گوش حیوانات نصب می کنند، که برای ردیابی به آنها شماره هویت می دهد. این تراشه ها همچنین علائم بصری برای عموم و همچنین کارگران شهرداری هستند که یک حیوان خاص بصورت الکترونیکی ردیابی می شود و اطلاعات پزشکی آن در دسترس است.

۲- قانون کنترل جمعیت سگهای رها شده^۱:

بر اساس قانون کنترل جمعیت سگهای رها شده، سازمان دامپزشکی مسئول اجرای این قانون است، البته در هماهنگی با سایر مؤسسات و سازمانهای دولتی. کنترل بیماریهای مشترک بین انسان و حیوان نظیر؛ هاری و کیست هیداتیک بر عهده سازمان دامپزشکی است، اما این سازمان می تواند کار اجرای این قانون را به سازمانهای دولتی دیگر یا غیر دولتی واگذار کند.

مسئولیت سایر سازمانها

مسئولیت سایر سازمانها بستگی به میزان خطر و اهداف کنترل جمعیت این حیوان دارد. وزارتخانه ها یا سازمانهای دولتی دیگر، بیشتر نقش نظارتی دارند. مثلاً سازمان حفاظت محیط زیست وقتی نقش ایفا می کند که سگ وارد پارکهای ملی شده باشد. همچنین اقداماتی برای جلوگیری از دسترسی سگ به غذا و زباله در محیط انجام می دهد.

دامپزشکان بخش خصوصی

این دامپزشکان وظیفه ارائه خدمات مشاوره ای و درمانی به صاحبان سگها را بر عهده دارند. این بخش، می تواند در نظارت و کنترل شیوع بیماریهای مرتبط با سگها نقش داشته باشد. این دامپزشکان موظف به اجرای قوانین سازمان دامپزشکی کل هستند. این دامپزشکان، بیشتر وظیفه مراقبت از سگها، واکسیناسیون، رفع جراحات و درمان آنها را بر عهده دارند.

وظایف سازمانهای غیر دولتی (NGOها)

این سازمانها کمک خوبی برای سازمان دامپزشکی در جهت افزایش دانش مردم و صاحبان سگها و برنامههای عقیم سازی و لانه گزینی این حیوان می باشند.

۳- بررسی اجمالی مسائل فقهی و دینی نگهداری سگ و ساماندهی سگهای ولگرد

۱-۳- حقوق سگ بعنوان یک حیوان

اسلام دین تعادل و میانه روی است. این اعتدال و میانه روی را به وضوح می توان در دستورات اسلامی مشاهده کرد. هرچند در اسلام سگ حیوانی نجس است، اما این سبب نشده تا حقوق او به عنوان یک حیوان، نقض شود.

❖ ۱. Stray Dog population Control Law

رعایت حقوق سگ به این نیست که به آن دست بزنی، و او را مونس و هم بازی خود قراردهی! بلکه با رسیدگی به آب و غذایش و آزار نرساندن به او، حقوقش را رعایت کرده ای. همانطور که به رعایت حقوق سایر حیوانات و سیرکردن و رفع تشنگی آنها در روایات اسلامی تأکید شده است.

پیشوایان و بزرگان مذهبی ما، با اینکه عقیده به نجاست سگ دارند، اما ظلم به این حیوان را روا ندانسته، حق و حقوقی برای آن قائل شده اند. با مطالعه در آثار دانشمندان اسلامی این مساله به روشنی قابل درک است.

در کتب فقهی آمده است: اگر شخصی، به مقدار وضو گرفتن آب داشته باشد، و بترسد که اگر با آن وضو بگیرد، دچار تشنگی شود، بر او واجب است که تیمم کند و آب را برای نوشیدن نگهدارد. صاحب جواهر(قدس سره)، پس از نقل این فتوا می نویسد: «وکذا الحيوان اذا كان كذلك وان كان كلباً» (جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محمد حسن بن شیخ باقر بن شیخ عبد الرحیم نجفی، محقق / مصحح: عباس قوچانی - علی آخوندی، ج ۵، ص ۱۱۴، السبب الثالث الخوف)؛ (اگر از تشنگی حیوانی نیز بترسد، حکم همین است، گرچه آن حیوان، سگ باشد).

شهید ثانی در بحث اطعمه و اشربه کتاب مسالک، می نویسد: «و لو كان للانسان كلب غير عقور جائع وشاة فعليه اطعام الشاة» (مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، محقق / مصحح: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، ج ۱۲، ص ۱۲۰، و أما كيفية الاستباحة)؛ (اگر انسان، دارای سگ - بی آزار - و گوسفندی گرسنه باشد، بر او واجب است تا گوسفند را آب و علف دهد). یعنی نجات گوسفند بر سگ اولویت دارد.

صاحب جواهر، در این حکم به شهید ثانی ایراد گرفته و می گوید: «فیه منع، بل قد یقال باولویة الكلب لامکان ذبح الشاة بخلاف الكلب» (جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محمد حسن بن شیخ باقر بن شیخ عبد الرحیم نجفی، محقق / مصحح: عباس قوچانی - علی آخوندی، ج ۳۶، ص ۴۳۷، و أما كيفية الاستباحة)؛ (حفظ جان سگ اولویت دارد. زیرا می توان گوسفند را سر برید؛ ولی این کار، در مورد سگ ممکن نیست). کلام این دو فقیه، گویای واجب بودن حفظ جان حیوان حتی سگ است، هرچند در این مورد اختلاف بر سر اینست که حفظ حیات کدامیک اولویت دارد. (این مسئله در رسائل فقهی علامه جعفری نیز مطرح شده است. (رسائل فقهی، جعفری، محمد تقی، ص ۱۱۸، حقوق حیوانات در فقه)

اگر فقهای اسلام در نظرات فقهی خود اینگونه حقوق حیوانات حتی سگ را در نظر می گیرند، بخاطر اینست که سخنشان برگرفته از روایات معصومین(علیهم السلام) است .

در متون روایی ما، روایات فراوانی هستند که توجه به حقوق سگ را - به عنوان یک حیوان - تایید می کنند. در بعضی از روایات از اذیت و آزار سگ منع شده، در دسته ای دیگر به اطعام و سیراب کردن سگ توجه شده است. علاوه بر این روایاتی هستند که قاتل سگ را ملزم به پرداخت دیه می کند، از این روایات نیز شاید بتوان حق و حقوقی برای سگ در اسلام ثابت کرد. هرچند عده ای می گویند: روایات دیه سگ، حقی را برای این حیوان ثابت نکرده بلکه تنها خسارت مالی صاحبش را جبران می کند، (کتاب المكاسب المحرمه و البیع و الخیارات) ط-

القدیمة)، مرتضی بن محمد امین انصاری، محقق / مصحح: محمد جواد رحمتی - سید احمد حسینی، ج ۱، ص ۳۳، التأیید بما أفاده العلامة و المناقشة فيه) اما با در نظر گرفتن همه روایات، خلاف این مطلب ثابت می شود. چرا که دیه انسان را نیز به ولی او می پردازند اما این سبب نمی شود خود آن شخص ارزش و قدری نداشته باشد. پس وقتی در دین اسلام برای سگ دیه قرار داده می شود، می توان نتیجه گرفت که به این حیوان، ارزش و بهایی داده شده است و پرداخت دیه به صاحب آن جبرانگر همین بهاء و ارزش فوت شده است.

به جهت طولانی نشدن بحث فقط به نمونه ای از این سه دسته روایات اشاره می کنیم:

۱. امیرالمؤمنین (ع) از پیامبر (ص) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «يَا كُفْمُ وَ الْمُثْلَهُ وَ لَوْ بِالْكَلْبِ الْعَقُورِ». (نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: للصبحی صالح، ص ۴۲۲، نامه ۴۷ و من وصیة له ع للحسن و الحسين ع لما ضربه ابن ملجم لعنه الله.); (از مثله کردن (قطعه قطعه کردن اعضای بدن) بپرهیزید، هر چند در مورد سگ آزار رساننده باشد).

۲. «عَنْ نَجِيحٍ قَالَ رَأَيْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ (ع) يَأْكُلُ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ كَلْبٌ كَلَّمَا أَكَلَ لُقْمَةً طَرَحَ لِلْكَلْبِ مِثْلَهَا فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَلَا أَرُجِمُ هَذَا الْكَلْبَ عَنْ طَعَامِكَ قَالَ دَعَاهُ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَكُونَ ذُو رُوحٍ يَنْظُرُ فِي وَجْهِهِ وَ أَنَا أَكُلُ ثُمَّ لَا أُطْعِمُهُ». (بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح جمعی از محققان، ج ۴۳، باب ۱۶، (مکارم أخلاقه و عمله و علمه و فضله و شرفه و جلالته و نوادر احتجاجاته صلوات الله عليه)); (نجیح گوید: حسن بن علی (ع) را دیدم که مشغول خوردن غذا بود و سگی روبروی او قرار گرفته بود، هر لقمه ای که می خورد یک لقمه هم به آن سگ می داد. عرض کردم: یابن رسول الله! این سگ را از سفره غذایی شما دور کنم؟ حضرت فرمود: رهایش کن زیرا من از خداوند حیا می کنم که جانداري به من نگاه کند و بخورم و به او نخورانم).

۳. «روى عن رسول الله (ص) انه قال: اطلعت ليلة اسرى بي على النار ... واطلعت على الجنة فرأيت امرأة مومنة يعنى زانية فسألت عنها فقيل انها مرت بكلب يلهث من العطش فأرسلت ازارها فى بئر فعصرته فى حلقة حتى روى فغفرالله لها». (المبسوط فى فقه الإمامية، طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، محقق / مصحح: سید محمد تقی کشفی، ج ۶، ص ۴۷، إذا ملك بهيمة فعليه نفقتها); شيخ طوسی در مبسوط می نویسد: روایت شده از رسول خدا (ص) که آن حضرت فرمود: در شب معراج، ... بر بهشت اطلاع یافتیم. در آن جا زن بدکاره ای را دیدم. درباره او پرسیدم. گفته شد: سبب پاداش وی این است که روزی گذرش به سگی افتاد که از شدت تشنگی زبانش بیرون افتاده بود. وی لباس خود را در چاه فرو برد، آب آن را در گلوی سگ فشرد تا سیراب شد. بدین سبب خدا او را بخشید.

۴. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: دِيَةٌ كَلْبِ الصَّيِّدِ أَرْبَعُونَ دِرْهَمًا وَ دِيَةٌ كَلْبِ الْمَاشِيَةِ عِشْرُونَ دِرْهَمًا وَ دِيَةُ الْكَلْبِ الَّذِي لَيْسَ لِلصَّيِّدِ وَ لَا لِلْمَاشِيَةِ زَبِيلٌ مِنْ تَرَابٍ عَلَى الْقَاتِلِ أَنْ يُعْطَى وَ عَلَى صَاحِبِهِ أَنْ يَقْبَلَ». (من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۴، ص ۱۷۰، باب (نوادر الديات)) ترجمه: امام صادق (ع) فرمود: دیه سگ شکاری

چهل درهم، و ديه سگ گله بيست درهم، و ديه سگی که نه شکاری و نه نگهبان گله هست، زنبیلی از خاک است که قاتل باید آن را بدهد و صاحب سگ آن را قبول کند.

۵. «مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي نَصْرٍ عَنِ الرَّضَاءِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (وَ شَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةً) قَالَ: كَانَتْ عِشْرِينَ دِرْهَمًا، وَ الْبَخْسُ النِّقْصُ، وَ هِيَ قِيَمَةُ كَلْبِ الصَّيْدِ إِذَا قُتِلَ كَانَتْ قِيَمَتَهُ (دِيْتَهُ) عِشْرِينَ دِرْهَمًا» محمد بن ابی نصر از حضرت رضا(ع) روایت کرده است که آن بزرگوار درباره آیه شریفه (و شروه بثمان بخرس دراهم معدوده)، فرمود: بخرس به معنای کم و ناچیز است. آنها یوسف را به بیست درهم فروختند، و این مبلغ، بهای سگ شکاری است که هرگاه کشته شود خون بهایش بیست درهم است. (مسند الإمام الرضا أبي الحسن علی بن موسی علیهما السلام، عزیز الله عطاردی ج ۱، ص ۳۴۵، (سوره یوسف)؛ تفسیر قمی، قمی علی بن ابراهیم، تحقیق: سید طیب موسوی جزایر، ج ۱، ص ۳۴۱، سوره یوسف، الآیات ۵ الی ۲۰)

۶. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: فِي كِتَابِ عَلِيِّ (ع): دِيَةُ كَلْبِ الصَّيْدِ أَرْبَعُونَ دِرْهَمًا». (الخصال، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۵۳۹، ديه كلب الصيد أربعون درهما) امام صادق(ع) می گوید: در کتاب امام علی(ع)، ديه سگ شکاری چهل درهم دانسته شده است.

۷. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: دِيَةُ كَلْبِ الصَّيْدِ السُّلُوقِيُّ أَرْبَعُونَ دِرْهَمًا مِمَّا أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِهِ لِابْنِي خُزَيْمَةَ». (همان) امام صادق(ع) فرمود: ديه سگ شکاری سلوقی چهل درهم است، بر مبنای دستوری که رسول خدا(ص) به بنی خزيمه در این باره داد.

حال که اسلام، حقوق سگ را به عنوان یک حیوان به رسمیت می شناسد، هیچ کس نباید - تحت هر عنوانی - بدون دلیل، به این حیوان آسیبی برساند، و نمی توان نجاست آن را دلیلی بر نفی حقوق و سبب پستی و بی ارزشی آن دانست. به عبارتی دیگر سگ نیز یکی از مخلوقات خداوند و قابل احترام است.

آیا پیامبر(ص) دستور به قتل سگان ولگرد داد؟

قطعا پیامبر(ص) دستور به کشتن سگهایی داده اند که سبب اذیت و آزار مردم می شوند، بخصوص سگهای ولگرد و وحشی که غالبا موجب ترساندن و اذیت مردمند. به همین خاطر در وسائل الشیعه بابی هست به عنوان «بَابُ جَوَازِ قَتْلِ كَلَابِ الْهَرَّاشِ (سگان ولگرد)». در این باب حدیثی نقل شده که پیامبر(ص) فرمودند: «لَا تَدْعُ ... كَلْبًا إِلَّا قَتَلْتَهُ»؛ (رها مکن سگی را مگر آنکه آن را بکشی) (وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ج ۱۱، ص ۵۳۳، ۴۶ باب (جواز قتل کلاب الهراش)). در بحار الانوار نیز حدیثی به همین مضمون آمده و پس از آن، از قتل سگهای بی آزار و مفید مثل سگ نگهبان و شکار نهی شده است (بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح جمعی از محققان، ج ۶۲، ص ۶۲، باب ۱ (الکلاب و أنواعها و صفاتها و أحكامها و السنانیر و الخنازیر فی بدء خلقها و أحكامها)). ديه سگ نیز - همانطور که قبل از این گفته شد - می تواند دلیلی بر منع کشتار بی دلیل سگهای بی آزار است.

سگ حیوان با وفایی هست اما اسلام با مونس شدن و هم بازی بودن انسان با سگ مخالف است؛ با این حال از وفاداری سگ در مواردی به نحو صحیح بهره برده، خرید و فروش و نگهداری سگ آموزش دیده را برای کارهای مفید مثل نگهبانی و شکار مجاز می داند.

۲-۳- خرید و فروش سگ

آیا خرید و فروش آن جایز است یا خیر؟ اگر حرام می باشد، این حکم برای انواع سگ است یا برای بعضی؟ برای رسیدن به پاسخ این سوالات، بیان مقدمه ای ضروری است.

عدم دخالت نجاست در معامله

بعضی به اشتباه برای حرمت خرید و فروش سگ اینگونه استدلال کرده اند:

«یکی از انواع معاملات حرام، معامله عین نجاست است. یعنی اگر چیزی نجس است، معامله آن حرام است. علما وقتی نظرشان این است که سگ نجس است، خودبخود معامله آن هم حرام می شود. اما اغلب علما معتقدند که اگر معامله عین نجاست، منفعت و سود عقلایی داشته باشد، در آن مورد حرمت آن برداشته می شود.»

حکم تحریم خرید و فروش، دایر مدار منفعت و سود عقلایی است، نه نجس و پاک بودن. - یعنی اگر شیئی سود عقلایی داشت معامله اش جایز است و الا جایز نیست، چه نجس باشد و چه طاهر - بنابراین، نجاست شیء، نقشی در حرمت معامله آن ندارد و بهتر است چنین گفته شود:

یکی از شرایط مبیع - یعنی شیء مورد معامله - داشتن منفعت و سود عقلایی - یا به عبارتی مالیت داشتن آن - است و چون عین نجاسات غالباً منفعت و سودی ندارند، مالیت نداشته و صلاحیت خرید و فروش را ندارند. اما هرگاه همین نجاسات دارای منفعت و سودی شدند، معامله آنها صحیح است و دارای مالیت بوده و قابل خرید و فروشند. مانند خون که نجس است، اما هم اکنون از آن استفاده عقلایی می شود و مالیت دارد، بنابراین خرید و فروش آن مجاز است.

پس نمی توان گفت: معامله مردار، خون و سگ چون نجس هستند حرام است. بلکه گفته می شود: چون منفعت عقلایی و مالیت ندارند حرام است، اما اگر دارای منفعتی شد، معامله اش جایز است. (چنانکه شیخ انصاری صرف نجاست را مانع جواز خرید و فروش و استفاده از آن نمی داند. ایشان در مسأله خرید و فروش شیر زن یهودی، معامله آن را جایز می داند و چنین می نویسد: «فان نجاسته لاتمنع عن جواز المعاوضة علیه.» (کتاب المکاسب المحرمه و البیع و الخيارات) ط- القديمة)، مرتضی بن محمد امین انصاری، محقق / مصحح: محمد جواد رحمتی - سید احمد حسینی، ج ۱، ص ۲۵، المعاوضة علی لبن الیهودیة المرضعة .) مرحوم نائینی نیز صرف نجاست را مانع از خرید و فروش نمی داند و می گوید: پوست حیوان مرده را می توان در مواردی که طهارت شرط نیست مثل آبیاری کشتزارها - که در قدیم مرسوم بوده است - معامله کرد. («اذا فرض هناك منفعة مهمة عقلائية، ولم يتوقف استيفاء المنفعة على طهارة الشئ كالأستقاء بجلد الميتة للزرع ونحوه، فمجرد كونه نجساً لا يمنع عن جواز بيعه.») منية الطالب في حاشية المكاسب، نائینی، میرزا محمد حسین غروی، مقرر: خوانساری، موسی بن محمد

نجفی، ج ۱، ص ۸، الثالث هل يجوز الانتفاع بالدهن المتنجس لغير الاستصباح. علاوه بر این شیخ انصاری، نیز معامله پوست مردار را با همین شرط پذیرفته و در نهایت می فرماید: «فمجرد النجاسه، لاتصلح علّة لمنع البيع: مجرد نجس بودن، نمی تواند مانع از خرید و فروش آن باشد.» (کتاب المكاسب المحرمه و البيع و الخيارات) ط- القديمة)، مرتضی بن محمد امین انصاری، محقق/ مصحح: محمد جواد رحمتی- سید احمد حسینی، ج ۱، ص ۲۴، بيع الميته لو جاز الانتفاع بجلدها. بنابراین نمی توان گفت: سگ چون از نجاسات است، معامله اش اشکال دارد.)

لازم به ذکر است که در گذشته بیشتر نجاسات، منفعت حلالی نداشتند و به همین خاطر علما حکم به حرمت معامله نجاسات می دادند. این سبب شده تا عده ای تصور کنند معامله شیء نجس، مطلقاً حرام می باشد و علت تحریم هم چیزی جز نجاست نیست.

خلاصه اینکه صرف نجس بودن، سبب حرمت معامله نجاسات از جمله سگ نمی شود تا کسی بگوید: چرا با اینکه انواع سگ - سگ صید، شکار، ولگرد و زینتی - نجس هست، اما معامله سگ صید جایز است ولی معامله سگ زینتی حرام است. چراکه ملاک در اینجا انتفاع و عدم انتفاع عقلائی است، نه چیز دیگری.

این دسته از روایات غالباً اشاره به سگ صید دارند، اما شامل سگهای دیگری هم که منفعت عقلائی دارند می شوند، چنانکه شیخ طوسی در مبسوط(المبسوط فی فقه الإمامیه، طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، محقق/ مصحح: سید محمد تقی کشفی، ج ۲، ص ۱۶۶، فصل: فی حکم ما یصح بیعه و ما لا یصح.)، سگ گله و نگهبان را همانند سگ صید می داند. (امروزه سگهای «پلیس» و «امداد» نیز همین حکم را دارند.) از این روایات و سخن علما - که قبلاً گذشت - استفاده می شود: هر سگی که منفعت عقلائی داشت، خرید و فروشش جایز؛ و الا حرام است. و اگر سگ های زینتی و سگ ولگرد و ... خرید و فروش آنها حرام است بخاطر اینست که یا فاقد منفعت عقلائی بوده و یا منفعت قابل توجهی ندارند.

۳-۳- نگهداری سگ در خانه

مساله نجس بودن سگ، غیر از حرمت نگهداری از آن است. نگهداری از سگ برای کسانی که استفاده عقلائی از آن ندارند، کراهت شدید دارد؛ و در روایات، امری ناپسند دانسته شده است (معارف و معاریف: دایره المعارف جامع اسلامی، مصطفی حسینی دشتی، ج ۴، ص ۶۷۸). بنابراین نگهداری سگ برای نگهبانی و شکار، و سگی که امروزه مورد استفاده پلیس و نیروهای امداد می باشد، مکروه نیست. (البته این به معنای عدم نجاست این سگ ها نمی باشد.) در بعضی از روایات آمده است که خانه ای که در آن سگ است، ملائکه وارد نمی شوند. این کراهت سبب می شود که حتی نماز خواندن در چنین خانه ای مکروه باشد. (مرحوم علامه حلی در منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، محقق/ مصحح: بخش فقه در جامعه پژوهش های اسلامی، ج ۴، ص ۳۲۴، الثامن می فرماید: نماز خواندن در خانه ای که در آن سگ باشد، کراهت دارد. (یحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق/ مصحح جمعی از محققان، ج ۶۲، ص ۵۳، باب ۱ (الکلاب و أنواعها و صفاتها و أحكامها و السنایر و الخنازیر فی بدء خلقها و أحكامها)؛ کتاب المكاسب المحرمه و البيع و

الخيارات (ط - القديمة)، مرتضى بن محمد امين انصاری، محقق / مصحح: محمد جواد رحمتی - سيد احمد حسینی، ج ۱، ص ۹۷، مختار المؤلف.

در اینجا به بیان برخی از روایاتی که به نحوی بر کراهت نگهداری سگ در خانه اشاره دارند، می پردازیم:

«وَقَالَ الصَّادِقُ (ع): لَا تُصَلِّ فِي دَارٍ فِيهَا كَلْبٌ إِلَّا أَنْ يَكُونَ كَلْبَ صَيْدٍ، وَ أَغْلَقْتَ دُونَهُ أَبَا، فَلَا بَأْسَ، وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَ لَا بَيْتًا فِيهِ تَمَائِيلٌ وَ لَا بَيْتًا فِيهِ بَوْلٌ مَجْمُوعٌ فِي آنِيَةٍ.» (من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص ۲۴۶، باب المواضع التي تجوز الصلاة فيها و المواضع التي لا تجوز فيها) امام صادق (ع) فرمود: نماز مگذار در خانه ای که در آن سگ است مگر اینکه سگ صید باشد، و دربی برویش بسته شود، در این صورت اشکالی ندارد ...

از مجموع روایات استفاده می شود که نگهداری سگهای مفید مثل سگ نگهبان، با وجود اینکه کراهت ندارد، (مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة (ط - القديمة)، ج ۴، ص ۲۸، الأول كل نجس لا يقبل التطهير؛ كتاب المكاسب (للشيخ الأنصاری، ط - القديمة)، ج ۱، ص ۳۲، الثالث كلب الماشية و الحائط؛ جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۲، ص ۱۳۸، المسألة الأولى لا يجوز بيع شيء من الكلاب إلا كلب الصيد) اما بهتر است محل زندگی او جدای از محل زندگی انسان باشد، بگونه ای که حداقل بینشان دربی فاصله شود. یعنی خانه ای جداگانه برای سگ ساخته شود. و اگر در برخی روایات از نگهداری سگهای مفید هم نهی شده، در صورتی است که محل زندگی او جدا نباشد. اما نگهداری سگهای دیگر - غیر از سگ شکاری و سگ نگهبان و هر سگی که برای کارهای عقلایی بکار گرفته می شود - کراهت داشته و ناپسند است. البته با توجه به مساله نجاست سگ که قبلا ثابت شد، این حکم معقول به نظر می آید و دستورات دین نسبت به دوری از نجاسات مؤید آنست. هرچند اسلام برای رفاه انسان، نگهداری سگهای مفید را مکروه نمی داند.

۳-۴ - قبح سگ بازی

از آنچه گفته شد معلوم می شود که در اسلام نگهداری و انس گرفتن با سگ بدون اینکه مورد استفاده عقلایی قرار گیرد توصیه نشده بلکه مورد کراهت و مزمت است. در سیره و سخنان معصومین (ع) نیز سگ بازی زشت تلقی شده و سگ بازان سزاوار ملامت اند.

نقل شده است هنگامی که امام حسین (ع) کنار قبر شریف پیامبر اکرم (ص) نشسته بود قاصدی آمد و گفت: امیر می خواهد به نزد او برود. اما امام (ع) که می داند معاویه مرده است و این دعوت برای گرفتن بیعت است، این دعوت را نمی پذیرد و در پاسخ کسی که از بیعت با یزید سوال می کند می فرماید: «من هرگز با یزید بیعت نخواهم کرد، چون یزید مردی است فاسق که فسق خود را آشکار کرده، شراب می نوشد، سگ بازی و... می کند و ما خاندان رسول خداییم». (الأخبار الطوال، ابو حنیفه احمد بن داود الدینوری، تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین شیبال ص ۲۲۷، مباحثه یزید ...)

آری، امام (ع) سگ بازی را از مواردی می داند که سبب شده فسق یزید آشکار شود.

در جای دیگر امام حسین(ع) طی نامه ای معاویه را توبیخ کرده و چنین می نویسد: «آیا تو آن کس نیستی که... پسر بچه ای را که شراب می خورد و سگ بازی می کند به امارت می رسانی!» (الإمامة و السياسة المعروف بتاريخ الخلفاء، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة الدينوري، تحقيق علي شيري، ج ۱، ص ۲۰۴، ما أجابه القوم به رضی الله عنهم؛ سيره معصومان (ترجمه اعيان شيعه)، مترجم علي حجتی کرمانی، ج ۵، ۹۰ مکاتبه میان امام حسین(ع) و معاویه؛ أعيان الشيعه، سيد محسن امين عاملي، ج ۱، ص ۵۸۳، المکاتبه بينه و بين معاوية .)

خلاصه اینکه مسئله نجاست سگ، یکی از مسائل قطعی فقهی اسلام است. با اینکه در قرآن اشاره ای به این مسئله همانند بسیاری از مسائل دیگر نشده است اما این حکم در روایات معتبر صریحاً بیان شده است. در عین حال نجاست سگ سبب نشده معامله آن حرام باشد، چرا که نجاست هیچ مداخلیتی در حرمت معامله نداشته، و حرمت خرید و فروش، دایر مدار اینست که مبیع دارای منفعت عقلایی باشد یا نباشد. پس تنها معامله سگهایی که فاقد منفعت عقلایی می باشند، جایز نیست. اما در مورد فلسفه نجاست سگ روایات معصومین(ع) مطلق بوده و فلسفه حقیقی این حکم بر ما پوشیده است و فلسفه نداشتن یک حکم، غیر از ندانستن فلسفه آن است.

(برگرفته از تارنمای حضرت آیت الله مکارم شیرازی)

۳-۵- جمع بندی:

باعنایت به موارد پیش گفته و آراء فقهی علمای دینی و احادیث و روایات منتسب به معصومین(ع)، نکات ذیل استفاده می گردد:

۱. سگ نیز مانند سایر حیوانات دارای حقوقی بوده و رعایت آن برمسلمانان لازم و ضروری است.
۲. علی رغم حقوق در نظر گرفته شده و سفارش به رعایت حقوق حیوانات در شریعت اسلامی، بدلیل نجاست ذاتی این حیوان از نگهداری آن در محیط زندگی انسانی نهی بعمل آمده است.
۳. نگهداری و خرید و فروش سگ به منظور اغراض عقلایی و بهره برداری از منافع آن با رعایت جوانب شرعی و جداسازی از محیط زندگی انسانی بلامانع است.
۴. به منظور رعایت اخلاق کریمه اسلامی درخصوص سگ های ولگرد می توان از راهکارهایی مثل زنده گیری و پرورش و فروش سگ های ولگرد برای استفاده های عقلایی در چارچوب ضوابط شرعی و قانونی عمل نمود.
۵. در برخی منابع و سیره بزرگان ذکر شده که برای جلوگیری از ورود سگ های ولگرد به محیط زندگی انسانی، موقوفاتی را به اطعام سگ های ولگرد حاشیه شهرها و سکونتگاه ها اختصاص می داده اند.

در روایات و منابع دینی از قتل بدون دلیل حیوانات بی خطر و غیر مضر از جمله سگهای ولگرد نهی بعمل آمده و حتی برای کشتار آن دیه و كفاره تعیین گردیده است.

علی‌رغم موارد فوق در شرایطی که سگهای ولگرد موجبات آزار و اذیت و ایجاد شرایط مخاطره‌آمیز برای زیست انسانی را فراهم آورند، کشتن آن‌ها در چارچوب ضوابط مربوطه مانند پرهیز از مثله نمودن و مرگ‌های زجرآور و پرهیز از تزریق سم بلامانع است.



ssafta.imo.org.ir